

راهبردها و تاکتیک‌های تقابل با نظام سلطه در سیره سیاسی اهل بیت

محمد طباطبایی*

چکیده

تقابل دو سویه ائمه اطهار علیهم‌السلام با حاکمان زمان خود از منظر امنیتی، تهدیدشناسی دوگانه‌ای است که امامت را خطری بر موجودیت حکومت و حکومت را خطری بر موجودیت اساس دین می‌داند. نتیجه این تقابل، اتخاذ راهبردهایی است که از طریق جنگ نرم، به اقداماتی عملی در تضاد و تعارض با یکدیگر می‌انجامد. در همین راستا، امامان معصوم علیهم‌السلام راهبردهای گوناگونی را از طریق ابزار متناسب با شرایط خود به کار می‌گرفتند که با دو تاکتیک عمده اجرایی می‌شد: مدیریت ادراک و تقیه. امامان معصوم علیهم‌السلام جنگ نرم گسترده‌ای را از مسیر فوق بر ضد حاکمان زمان خود اجرایی می‌ساختند که از سویی موجب نفوذ جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام و تحکیم و ثبات شیعه در جهان اسلام شد و از سوی دیگر، به تزلزل سیاسی خلفا و تلاش برای حذف سیاسی و فیزیکی اهل بیت علیهم‌السلام انجامید.

واژه‌گان کلیدی: اهل بیت، راهبرد، اصول راهبردی، تاکتیک، سیره سیاسی.

۱. مفاهیم

۱-۱. تهدید

«تهدید وضعیتی است که در آن مجموعه‌ای از ادراکات و تصورات انسان نسبت به پدیده‌ها و رابطه آنها به بقا، کمیت یا کیفیت ارزش مورد احترام، احساس خطر جدی یا نابودی را القا می‌کند.»^۱

تهدید، نبود وضعیت امن است؛ وضعیتی که ارزش‌ها و الگوهای حاکم بر یک جامعه و مصالح آن باید در ثبات قرار گیرد. تهدید، نقض این وضعیت و در خطر قرار دادن آن است.

۱-۲. راهبرد

واژه راهبرد (strategy) پیشتر صرفاً در امور نظامی به کار گرفته می‌شد، اما «در دیدگاه جدید، استراتژی یک برنامه واحد، همه جانبه و تلفیقی است که نقاط قوت اصلی و نقاط ضعف اصلی سازمان را با فرصت‌ها و تهدیدات محیط مربوط می‌سازد و به نحوی طراحی شده است که با اجراء صحیح آن از دستیابی به اهداف اصلی سازمان اطمینان حاصل می‌گردد.»^۲

بنابراین، راهبرد به معنای مجموعه اقدامات و برنامه‌ها برای رسیدن به اهداف اصلی از پیش تعیین شده است.

۱-۳. تاکتیک

«امروزه تاکتیک به روش‌هایی گفته می‌شود که به وسیله آن، استراتژی به اجرا در می‌آید تا به هدف‌های مورد نظر برسد.»^۳

با توجه به این تعریف، تاکتیک راهکارهایی عملی است که اجرای راهبردها بدان نیازمند است.

۱. (گروه مطالعاتی امنیت ملی، ۱۳۸۷: ۴)

۲. (ویکی پدیا)

۳. (علی محمد اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۱۱۷)

۱-۴. مدیریت ادراک

مدیریت ادراک، مجموعه عملیات تاکتیکی است که برای نفوذ و سلطه بر اندیشه، احساسات و انگیزه‌های دشمن یا مخاطب از طریق سیاست‌گذاری بر ذهن او انجام می‌شود. بر اساس این تعریف، مدیریت ادراک برای آن است که بتوان دیدگاه‌ها و ذهنیت طرف مقابل را تغییر داد یا به گونه‌ای خشی نمود که در تقابل با دشمن منفعل شود. به همین جهت در تعریف آن آمده است:

«اقداماتی جهت ارسال یا انکار اطلاعات و شاخص‌هایی برای مخاطب خارجی در جهت نفوذ بر احساسات، انگیزه، اهداف و تعقل آن؛ همچنین اقدامات جهت ارسال و یا انکار اطلاعات و شاخص‌هایی برای سیستم‌های اطلاعاتی و رهبران در تمام سطوح، جهت نفوذ برآوردهای ملی که در نهایت به رفتار خارجی و اقدامات رسمی و مطلوب برای اهداف اقدام‌کننده منتج شود.»^۱

۱-۵. نظام سلطه

هرچند تعریف اصطلاحی نظام سلطه با فضای مدرن کنونی در جهان قابل تطبیق است و عبارت است از: «مجموعه‌ای از بازیگران نظام بین‌الملل که تلاش دارند قواعد بازی نظام ناعادلانه و ظالمانه را حفظ کنند.»^۲ اما ویژگی‌هایی اساسی در آن وجود دارد که در عصر اهل بیت علیهم‌السلام نیز قابل تطبیق است: «نظام سلطه‌گر، حق را با زور می‌داند و بر این باور است که هر که قدرت داشته باشد، محق است؛ تا آنجا که قدرت فی نفسه هدف است.»^۳

۲. شرایط سیاسی عصر اهل بیت علیهم‌السلام و راهبرد ایشان در برابر حاکمیت

در یک تقسیم تاریخی، عصر اهل بیت علیهم‌السلام به دو دوره کلی عصر تنزیل و عصر تأویل تقسیم می‌شود. مقصود از عصر تنزیل، دوره انقلاب نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و

۱. (حجت الله مرادی، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۳)

۲. (رضا رحمتی، ۱۳۸۹: ۱۶)

۳. (رضا رحمتی، ۱۳۸۹: ۱۶)



نزول وحی است که اسلام در حال شکل‌گیری و التهاب عبور فکری-فرهنگی جامعه قبیله‌ای حجاز است. با وجود تقابل نظامی گوناگون در این دوره، چهار رویکرد سیاسی مهم میان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و مشرکان حجاز رخ می‌دهد: هجرت مسلمانان به حبشه، حصر اقتصادی، صلح حدیبیه و فتح مکه. منظور از عصر تأویل، دوره بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله است که جامعه دچار تفسیرهای گوناگون از اسلام می‌شود و امامت تنها ملجأ عصمت از خطای مسلمانان است. این دوره را می‌توان به تناسب تقابل سیاسی میان امامت و طاغوت به پنج دوره کلی سکوت، خلافت، قیام، مبارزه نرم و غیبت صغری تقسیم کرد. عصر سکوت، رویکرد ۲۵ ساله امیرالمؤمنین علیه السلام در برابر نظام سیاسی روز، عصر خلافت، دوران حدود ۵ ساله خلافت امیرالمؤمنین و امام حسن علیه السلام و تقابل ایشان با حکومت معاویه، عصر قیام، دوره حدود ۲۰ ساله عصر حسنین علیه السلام - که به تقابل نظامی در روز عاشورا و سیاست امام زین‌العابدین علیه السلام در ایام اسارت می‌انجامد - و عصر مبارزه، دوره قریب به ۲۰۰ سال که از سال ۶۲ ه.ق. تا ۲۶۰ ه.ق. در قالب مبارزه علمی، فرهنگی، کادرسازی شیعیان و تشکیل دولت سایه با عنوان «سازمان وکالت» محقق می‌شود. اما دوره پنجم، عصر غیبت صغری و ارتباط غیر مستقیم امامت با مردم از طریق سازمان وکالت است. این رویکردهای متفاوت متناسب با تغییر شرایط سیاسی و فضای اجتماعی تغییر می‌کند. با وجود این، تابع اصولی ثابت و تاکتیک‌هایی راهبردی و عقلانی است که در عصر کنونی نیز قابلیت بهره‌گیری دارد و ما را در نحوه تقابل با نظام سلطه در روابط بین‌الملل رهنمون می‌شود تا بتوان به منطق عملی در برابر فضای امنیتی جنگ نرم جمهوری اسلامی ایران با نظام سلطه بر اساس مکتب اهل بیت علیهم السلام دست یافت. راهبرد اصلی اهل بیت علیهم السلام در برابر فضای موجود، تلاش برای حفظ اسلام و تشکیل حکومت



اسلامی است، اما راهبردهای میانی گوناگون نیز توسط ایشان در زمان‌های متفاوت مورد استفاده قرار می‌گیرد که در این مقاله بدان اشاره خواهد شد.

۱-۲. بررسی شرایط سیاسی در عصر تنزیل

عصر رسالت دو فضای عمده سیاسی دارد که در دو مرحله زمانی محقق می‌شود: فضای پیش از هجرت که مسلمانان در اقلیت، فاقد شئون سیاسی و نظامی و تحت فشار حاکمیت هستند و فضای پس از هجرت که میان آنان و مشرکان موازنه قدرت به نفع اسلام شکل می‌گیرد و به حذف سیاسی مشرکان می‌انجامد. بنابراین، تقابل میان اسلام و شرک در دو فضای سیاسی متفاوت صورت می‌پذیرد. در فضای نخست، تعارض میان اکثریت حاکم و اقلیتی است که با همبستگی خود و از طریق رهبری معنوی واحد، به چالشی برای قدرت حاکم تبدیل می‌شوند. اما در فضای دوم، تعارض میان دو واحد سیاسی است که یکی بر پایه نظام منحط قبیلگی و دیگری بر اساس نظام الهی شکل گرفته و هر دو از جایگاه مردمی برخوردار است. با توجه به تمایزهای فوق می‌توان نزاع میان مسلمانان و مشرکان را در مرحله نخست، نزاع درون حاکمیتی و مسأله‌ای ملی و در مرحله دوم، در حوزه روابط میان حکومت‌ها و ملت‌ها (بین‌الملل) دانست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از هجرت با دو چالش اساسی رو به رو می‌شود: خفقان مشرکان علیه مسلمانان - که به هجرت به حبشه می‌انجامد - و حصر اقتصادی در منطقه شعب ابی طالب. رسول اکرم صلی الله علیه و آله به دو دلیل اساسی مسلمانان را مأمور به هجرت به سمت حبشه کرد: رهایی مسلمانان از محظورات و گرفتاری‌ها و حفظ اسلام آنان از ارتداد در فضایی امن.^۱ که شأن نزول آیه ۴۱ سوره نحل^۲ و مناسب با آیه ۵۶ سوره عنکبوت است.

۱. (ابن هشام، بی تا؛ ذهبی، ۱۴۱۳ و ابن اثیر، ۱۳۸۵)

۲. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳)



خروج مسلمانان از مکه موجب شد تا مشرکان قریش دسترسی به میزان چشم‌گیری از مسلمانان نداشته باشند، اما احساس خطر قریش از مسلمانان باقی مانده در مکه و ایجاد فشار بر بنی‌هاشم برای قتل پیامبر خدا ﷺ^۱ به قطع روابط اجتماعی و اقتصادی با آنان و محصورشدن در منطقه شعب ابی‌طالب انجامید. آنچه سبب تقسیم مسلمانان در حبشه و شعب ابی‌طالب می‌شود نظام اجتماعی حجاز - نظام قبیله‌ای - است که موجب در امان ماندن رسول اکرم ﷺ در ذیل شاخه بنی‌هاشم از قریش و ناامنی عموم مسلمانان - که غالباً مانند بلال و عمار فاقد قبیله و از بردگان بودند - می‌شود.

۱۰۴

بنابر این، شرایط سیاسی عصر تنزیل پیش از هجرت با همبستگی اقلیتی مذهبی به رهبری واحد در شهر مکه تعریف می‌شود که در ذیل نظام اجتماعی حجاز قرار می‌گیرد و به صورت تبعیض گونه، برخوردار از آزادی یا دچار محدودیت می‌گردد. راهبرد رهبر مسلمانان در این موقعیت، حفظ امنیت جانی و دینی مسلمانان و بهره‌گیری مشروع از تمام توان موجود - مانند حمایت قبیله‌ای - برای مقابله با اکثریت حاکم است.

دوره ۱۰ ساله پس از هجرت، دوره مخاصمه سیاسی و نظامی میان حکومت نبوی ﷺ در مدینه با حکومت مشرکان در مکه است و پیمان حدیبیه و فتح مکه دو نقطه عطف در این مخاصمه به شمار می‌رود؛ زیرا اولین مرحله برای تثبیت سیاسی اسلام و آغاز فراگیری آن است. اقتدار قریش پس از شکست در جنگ احزاب به حدی خدشه‌دار شد که سران آنان از جنگ نظامی دوباره خودداری کنند. پیامبر خدا ﷺ نیز پس از پایان جنگ، این شرایط را به خوبی درک کرده و به مسلمانان فرمودند:

«قریش پس از امسال با شما جنگ نخواهد کرد و شما با آنان می‌جنگید.»^۱
تغییر موقعیت سیاسی مسلمانان در برابر قریش راه همواری را برای حرکت بدون خونریزی به سوی مکه فراهم می‌کرد. از این رو می‌توان عدم اصرار قریش بر جنگ با رسول الله ﷺ در منطقه حدیبیه و رضایت به پیمان‌نامه را در این راستا تفسیر کرد. از سوی دیگر، رسول خدا ﷺ با بهره‌گیری از موقعیت سیاسی فوق، قریش را -با عمره سال ششم هجرت- در محدودیت قرار داد. آنان سه راه داشتند:

۱۰۵

۱. با پیامبر ﷺ در منطقه حدیبیه جنگ کنند؛ این عمل موجب تقبیح قریش نزد افکار عمومی و تنزل جایگاه اجتماعی آنان می‌شد؛ زیرا مسلمانان بدون ابزار جنگی و صرفاً برای انجام عمره آمده بودند و بازداري مردم از زیارت خانه خدا کاری ناشایست به شمار می‌آمد.

۲. اجازه ورود پیامبر ص به مکه را بدهند که موجب خواری و اظهار ضعف در برابر مسلمانان بود.

۳. حاضر به مذاکره شوند.

مشركان مکه راه سوم را برگزیدند و در طی مذاکره میان سهیل بن عمرو با پیغمبر اسلام ﷺ معاهده‌ای با مسلمانان بستند. راهبرد رهبری جامعه اسلامی در این موقعیت، تضعیف حداکثری دشمن با هدف گسترش اسلام در وضعیت امن و مبتنی بر اقتدار است که مفاد معاهده و اقدامات پس از آن گواه بر این مطلب است. رسول خدا ﷺ در طی معاهده حدیبیه توانست:

۱. آزادی را برای قبائل موافق خود تضمین کند تا از اسلام آوردن خود در ذیل قدرت قریش هراس نداشته باشند.

۱. (بیهقی، ۱۴۰۵: ۳، ۴۵۸)

۲. قدرت سیاسی قریش را تا حدی تنزل دهد که مجبور شود تا پیمان بستن با مخالفان خود را جایگزین تهاجم از جانب برتر کند.

۳. ترویج اسلام را در مکه آزاد کند. رسول خدا ﷺ از سویی توانست در سال هفتم هجری بدون هیچ آزار مشرکان، اعمال عمره را در مکه انجام دهد و از سوی دیگر - بنابر نسخه طبرسی از معاهده در اعلام الوری^۱ - محدودیت در آزادی مسلمانان مکه را برچیند.

رسول خدا ﷺ در ادامه اجرای راهبرد خود دو اقدام مهم داشت:

الف) ارسال نامه تبلیغی به سران سیاسی جهان در پی آزادی حاصل شده از پیمان نامه؛

ب) فتح مکه به دنبال نقض مفاد معاهده از سوی قریش. بنابراین، پیامبر اکرم ﷺ توانست با بهره‌گیری از ضعف مشرکان حذف سیاسی آنان را رقم زند.

۲-۲. بررسی شرایط سیاسی در عصر تأویل

موقعیت سیاسی عصر تأویل در شرایط گوناگونی قابل تفسیر است که از نظر می‌گذرد:

۲-۲-۱. عصر سکوت

عصر سکوت چهار دوره را در برمی‌گیرد: ایام سقیفه (سه ماه)، ایام خلافت ابوبکر (۱۱-۱۳ ه.ق.)، ایام خلافت عمر (۱۳-۲۳ ه.ق.) و ایام خلافت عثمان (۲۳-۳۵ ه.ق.). موقعیت اجتماعی و سیاسی امیرالمؤمنین علیه السلام در این چهار دوره متفاوت است که راهبردهای گوناگونی را می‌طلبد.

ایام سقیفه سه ویژگی مهم دارد: احیای مجدد نظام اجتماعی جاهلیت، تلاش عمر برای تثبیت کامل حاکمیت ابوبکر و مطرح بودن امام علیه السلام به عنوان

وصی و جانشین پیغمبر. کنار هم آمدن این سه ویژگی، پیچیدگی و دشواری‌هایی ایجاد می‌کند که در راهبرد ایشان در برابر سقیفه تأثیرگذار است. امام عَلَيْهِ السَّلَام پس از شهادت پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با دو بحران ریزش اجتماعی و مخالفان قوی، رو به روست و این مسئله با فرهنگ جاهلی ارتباطی قویم دارد. مسلمانان در سال ۱۱ هجری سه دسته عمده‌اند:

۱. مسلمانانی که سابقه جنگ با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دارند و عمدتاً شامل مردم مکه پس از فتح آن است.

۲. تازه مسلمانانی که پس از فتح مکه و تحت تأثیر شرایط سیاسی، مجبور به پذیرش اسلام شده‌اند، هرچند پیش از آن بی طرف بوده‌اند.

۳. مسلمانانی که از آغاز بعثت در مکه یا کمی پس از آن در بیعت عقبه یا مدینه، به اسلام روی آوردند.

در میان اینان، مردم مکه (طلقاً) به سبب جنگ‌های گوناگونی مانند بدر و احد از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام کینه دارند و اهل سقیفه با استفاده از این افراد توانستند به موفقیت‌هایی -مانند غصب فدک و زمین‌های زراعتی ایشان- دست یابند.^۱ مردم نواحی دیگر -که به تازگی مسلمان شده‌اند- نیز اسلام را کم و بیش بر اثر اقتدار سیاسی پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پذیرفته‌اند و -بر اساس نظام اجتماعی جاهلیت- به حاکمیت رئیس قبیله رضایت دارند تا حاکمیت واحد؛ زیرا عرب حاکمیت قبیله‌ای بر قبیله دیگر را نمی‌پذیرفت^۲ و یکی از علل وقوع جنگ‌های «رده» پس از خلافت ابوبکر تأکید بر این فرهنگ جاهلی است. اما دسته سوم تفاوتی اساسی با دو دسته دیگر دارد و از چند ویژگی متمایز برخوردار است:

۱. تقسیم‌بندی مهاجرین و انصار در این دسته مطرح است.

۱. (سیدعلی حسین پور، ۱۳۹۲)

۲. (حسن ابراهیم حسن، ۱۴۱۶)



۲. منافقین در میان این دسته نفوذ کرده‌اند.

۳. به دلیل سابقه بیشتر در اسلام، نفوذ اجتماعی قوی‌تری دارند و اصحاب متنفذ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جزء این دسته‌اند.

۴. اجتماع سقیفه از میان این دسته رخ می‌دهد.

راهبرد امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در این شرایط بسیار پیچیده در برابر غاصبان خلافت، پس‌گیری حکومت است که به دلیل خشونت‌های شدید^۱ و عدم حمایت عمومی^۲ با شکست مواجه می‌شود.

با وجود این، امام عَلَيْهِ السَّلَام پس از بیعت و در زمان خلفای سه‌گانه راهبرد صبر و سکوت را پیش می‌گیرد تا جان خود و شیعیانش را در برابر خفقان حاکمیت تضمین کند و حکومت نوپای اسلام را از خطر اضمحلال درونی و فروپاشی در برابر تهاجم بیرونی نگاه دارد. خطبه شقشقیه بیانگر این راهبرد اساسی است: «فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحْجَىٰ فِى الصَّبْرِ وَ فِى الْعَيْنِ قَدْى وَ فِى الْحَلْقِ شَجَىٰ» دیدم که صبر بر این [شرایط] لازم‌تر است. پس در حالی که خار در چشم و استخوان در گلوست صبر پیشه کردم. کارکرد اساسی این راهبرد را می‌توان در تأثیرات مشورتی-قضائی و علمی امام عَلَيْهِ السَّلَام در ایام خلفا و اوج گرفتن جایگاه سیاسی ایشان پس از پایان ایام آنان مشاهده کرد که امکان تصدی خلافت مسلمانان را با وجود ۲۵ سال خانه‌نشینی فراهم می‌سازد.

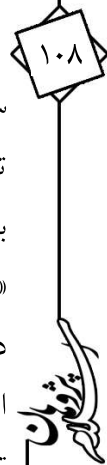
۲-۲-۲. عصر خلافت

عصر خلافت، عصر حکومت و قدرت سیاسی امامت است. با وجود این، اختلاف و تعارض شدیدی که مدعی خلافت ایجاد می‌کند و با چالش کشاندن حکومت به تضعیف آن اقدام می‌نماید راهبرد سیاسی جدیدی را برای حفظ

۱. (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵)

۲. (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵)

۳. (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۳۹)



اسلام خواستار است. چالشی که معصوم علیه السلام در این دوره با آن مواجه است بحران «خروج از حاکمیت» است که توسط سه دسته شکل می‌گیرد: در دسته اول، همسر و صحابه پیغمبر صلی الله علیه و آله هستند که با انتخاب خلیفه زمان مخالفت دارند و سعی بر تحمیل گزینه سیاسی خود بر جامعه می‌کنند. دسته دوم، استانداران شام است که ادعای خلافت دارد به همراه مردمی که با او اسلام را شناخته‌اند. دسته سوم، خوارج‌اند که هرچند داعیه خلافت ندارند، اما برهم زنده نظم و امنیت عمومی به شمار می‌رود.

از آن روی که موضوع نوشتار حاضر پیرامون تقابل اهل بیت علیهم السلام با نظام سلطه است صرفاً به دسته دوم می‌پردازیم؛ زیرا تنها همین دسته توانست در نهایت به حاکمیت مطلق و نظام سلطه انجامد. تقابل امامت با این دسته در دو واقعه تاریخی - جنگ صفین و حکمیت - و «جنگ ساباط و صلح» - قابل تحلیل است که شامل راهبرد نظامی «جنگ تا پیروزی کامل» بود و اساساً پذیرش حکمیت توسط امیرالمؤمنین علیه السلام و صلح امام حسن علیه السلام را نمی‌توان به عنوان بخشی از یک راهبرد سیاسی برشمرد؛ زیرا هر دو واقعه در تحمیل شرایطی ویژه صورت گرفته است. همان طور که امیرالمؤمنین علیه السلام به سبب فشار سپاهیان خود حاضر به حکمیت شد، امام حسن علیه السلام نیز به سبب همراهی نکردن مردم عراق، فقدان نیروی نظامی و جلوگیری از خسارت بیشتر - اضمحلال شیعه - صلح با معاویه را پذیرفت. از سوی دیگر، پیشنهاد حکمیت و صلح از سوی معاویه بوده است و او سعی کرد تا از این دو راه بدون جنگ به مقصود خود نائل آید. صلح امام حسن علیه السلام را حداکثر می‌توان به عنوان راهبردی اضطراری برشمرد که به سبب شکست در راهبرد نظامی و برای جلوگیری از تهدیدها و مفسدات بیشتر پذیرفته شده است.

۲-۲-۳. عصر قیام

عصر قیام شامل ۱۰ سال امامت امام مجتبی علیه السلام پس از صلح با معاویه، قریب به ۱۱ سال امامت سیدالشهدا علیه السلام و ایام آغازین امامت امام زین العابدین علیه السلام پس از عاشورا می شود. هرچند بیشتر این دوران ۲۱ ساله، دورانی به ظاهر در آرامش و سکوت است، اما از آنجا که مقدمه چینی جریان عاشورا در این ایام شکل می گیرد، آن را عصر قیام می نامیم. در این دوران، حسنین علیه السلام با اتکا بر دو راهبرد افشاگری و نفی مشروعیت از حکومت، زمینه های قیام فراگیر بر ضد بنی امیه را فراهم ساختند که آمادگی مردم کوفه - به عنوان یکی از مهمترین شهرهای جهان اسلام - برای قیام برضد یزید به دنبال آن فراهم آمد. شیوه طراحی مفاد پیمان نامه با معاویه توسط امام حسن علیه السلام - مانند عمل به کتاب خدا و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خلفای صالح^۱ و نفی وراثت در خلافت و واگذاری آن به شورا^۲ پس از معاویه - و اقدامات گوناگون حسنین علیه السلام پس از تسلط بنی امیه - مانند سخنرانی و احتجاج پیرامون عدم مشروعیت حکومت معاویه یا تحریک مردم به مقابله با وی در دو سال پایانی عمر او و گسترش سرکوب ها،^۳ مصادره اموال دولتی^۴ و مقابله با کارگزاران معاویه در مدینه^۵ - توانست علاوه بر افزون سازی نفرت عمومی نسبت به دولت بنی امیه، بر عدم مشروعیت آن تأکید کند و پاسخ خفقان معاویه را بدهد. این جریان سازی - علاوه بر افزایش شیعیان در حجاز و عراق - امکان قیام حسینی را در سال ۶۰ و مقارن با مرگ معاویه فراهم کرد تا نهضتی با راهبرد نهی از منکر و به هدف احیای

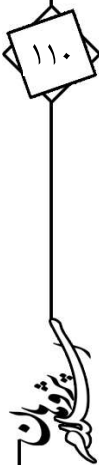
۱. (ابن اعثم، ۱۴۱۱)

۲. (ابن اعثم، ۱۴۱۱)

۳. (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵؛ ابوالفرج اصفهانی، بی تا؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵؛ طبرسی، ۱۴۰۳)

۴. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴)

۵. (ابن هشام، بی تا)



سنت نبوی ﷺ^۱ شکل گیرد. هرچند این نهضت سرکوب شد، اما جوششی فراگیر را به دنبال داشت که با رهبری امام سجاد علیه السلام در دوران اسارت و قیام‌های پی در پی موجب بیداری مسلمانان شد.

۲-۲-۴. عصر مبارزه نرم

این دوره، ایام امامت ۸ تن از معصومان علیهم السلام است که تقریباً پس از بازگشت امام زین العابدین علیه السلام از اسارت تا شهادت امام حسن عسکری علیه السلام را دربر می‌گیرد. اهل بیت علیهم السلام در این دوره از سه راهبرد اساسی استفاده می‌کردند.

۲-۲-۴-۱. تدوین فرهنگ اسلامی

فرهنگ اسلامی پس از شکل‌گیری در عصر رسالت، نیازمند تثبیت و صیانت است. راهبرد امام سجاد علیه السلام و صادقین علیهم السلام در دوره تثبیت، تدوین فرهنگ اسلامی از طریق تربیت شاگردان است که از عصر امام کاظم علیه السلام به بعد با شکل‌گیری مجموعه راویان، فقها و متکلمین از شیعیان به ثمر می‌نشیند.

«ائمه شیعه در این برهه، موضع اصلی خویش را بیان معارف دینی واقعی اسلام قرار دادند و کار اصلی و اساسی خود را ... تدوین فرهنگ مذهبی و تربیت نسل محدث و راوی که بتواند آرای آنان را حفظ کند، تعریف کردند»^۲.

۲-۲-۴-۲. مبارزه منفی

مبارزه منفی با حکومت، راهبرد دیگر امامان علیهم السلام در این دوره است. «نکته مهم در مبارزه منفی، عدم همکاری است؛ امری که به خودی خود، عدم مشروعیت هیأت حاکمه را نشان می‌دهد. شیوع و رسوخ چنین نگرشی نسبت به یک حکومت در میان مردم، خطر عمده‌ای برای آن بشمار می‌رود؛ زیرا با عدم اعتقاد مردم به مشروعیت حکومت، هر آن ممکن است جنبشی برای براندازی آن

۱. (ابن اعثم، ۱۴۱)

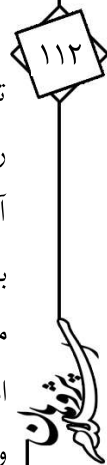
۲. (رسول جعفریان، ۱۳۹۳: ۳۸۰)



ایجاد شده و مردم به آن جنبش بپیوندند.^۱ رفتارهایی چون معرفی خلفا به عنوان مصداق طاغوت^۲، نامشروع دانستن قضات حکومت^۳، مخالفت صریح امام کاظم علیه السلام با حضور و همکاری برخی شیعیان مانند زیاد بن ابی سلمه در دستگاه خلافت^۴، خودداری امام رضا علیه السلام از پذیرش خلافت^۵ و قبول ولایتعهدی با تقييد به عدم همکاری پس از فشارهای مأمون^۶ نمونه‌هایی از مبارزه منفی اهل بیت علیهم السلام با نظام حاکم است.

۲-۲-۴-۳. نفوذ

راهبرد سوم امامان علیهم السلام در این دوره، نفوذ به درون حاکمیت از طریق تاکتیک تقیه و میان مردم از طریق تشکیل سازمان وکالت است. تفاوت این راهبرد با راهبرد مبارزه منفی در خفاء و ظهور است. مبارزه منفی به صورت آشکار و نفوذ، به صورت پنهان صورت می‌پذیرد. به همین جهت، امام کاظم علیه السلام با ورود علی بن یقطين - برخلاف زیاد بن ابی سلمه - در دستگاه عباسی موافقت می‌کند^۷ و حتی او را به عمل بر طبق شرایط وضوی اهل سنت مکلف می‌نماید^۸. امام جواد علیه السلام نیز این روند را ادامه داد و از این رو «محمد بن اسماعیل بن بزيع» و «احمد بن حمزه قمی» مقامات والایی در دستگاه حکومت داشتند. «نوح بن دراج» نیز چندی قاضی بغداد و پس از آن قاضی کوفه بود. بعضی دیگر از شیعیان مانند «حسین بن عبدالله نیشابوری» حاکم «بُست» و «سیستان» شد و



۱. (جعفریان، ۱۳۹۳: ۴۹۳)
۲. (ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵)
۳. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶)
۴. (کلینی، ۱۴۰۷)
۵. (جعفر مرتضی عاملی، ۱۴۱۶)
۶. (باقر شریف القرشی، ۱۳۸۰)
۷. (کشی، ۱۳۴۸: ۴۳۳)
۸. (شیخ حر عاملی، ۱۴۲۵: ۴، ۲۵۶)

«حکم بن علیا اسدی» به حکومت بحرین رسید.^۱ از اینرو اهل بیت علیهم‌السلام با بهره‌گیری از این راهبرد، به تقویت شیعه و حمایت مالی از شیعیان و مراقبت از جان آنان اقدام می‌کردند. از سوی دیگر، سازمان وکالت به‌عنوان یک شبکه ارتباطی فعال در سراسر جهان اسلام میان امامان علیهم‌السلام و شیعیان عمل می‌کرد که نفوذ اهل بیت علیهم‌السلام را در میان مردم افزودن می‌ساخت و موجب تحکیم رابطه امام و مأموم در حوزه‌های عقیدتی و شرعی می‌شد.

۲-۲-۵. عصر غیبت صغری

راهبرد امامت پس از شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام، غیبت صغری - پنهانی از دیدگان مردم و ارتباط غیر مستقیم از طریق سازمان وکالت - است. این راهبرد از نتایج مثبتی برخوردار بود:

۲-۲-۵-۱. امنیت امام علیه‌السلام و شیعیان

«عباسیان هنگامی که اطمینان یافتند امام عسکری علیه‌السلام فرزندی ندارد، خود را از پی‌گیری این امر راحت ساختند و این به نفع امام علیه‌السلام و شیعیان شد.»^۲ شاهد بر این امر، از یک سو خفقان و محدودیت شدیدی است که امامین عسکریین علیهم‌السلام در حضور اجباری خود در سامرا با آن روبه‌رو بودند و حتی در معرض قتل قرار می‌گرفتند و از سوی دیگر، به زندان افتادن کسانی همچون حسین بن روح نوبختی -نائب خاص امام عصر (عج) و یکی از بزرگان شیعه- به مدت پنج سال در بغداد به معنای تکرار محدودیت‌های پیشین بر امام و شیعیان بود. بنابراین، به نظر می‌رسد غیبت صغری راهبردی مهم به شمار می‌رود که موجب حفظ ارتباط شیعیان با امام خود - هر چند محدود - در یک دوران ۶۹ ساله (۲۶۰-۳۲۹ ه.ق.) شد.

۱. (مهدی پیشوایی، ۱۳۹۰: ۵۸۷-۵۸۸)

۲. (رسول جعفریان، ۱۳۹۳: ۷۲۶)



۲-۲-۵-۲. آمادگی برای غیبت کبری

«این دوره را می‌توان دوران آماده‌سازی شیعیان برای غیبت کبری دانست که طی آن، ارتباط شیعیان با امام، حتی در همین حد نیز قطع شد و مسلمانان موظف شدند در امور خود به نایبان عام آن حضرت، یعنی فقهای واجد شرایط و آشنایان به احکام اسلام، رجوع کنند.»^۱

بنابراین، ارتباط با امام عصر (عج) از طریق نایبان خاص، زمینه پذیرش شیعیان نسبت به نواب عام را فراهم ساخت.

۳. تاکتیک‌ها و ابزارهای اهل بیت *علیهم‌السلام* در مبارزه سیاسی

راهبردهای اهل بیت *علیهم‌السلام* در مقام اجرا از طریق تاکتیک‌ها و ابزارهای گوناگون عملیاتی می‌شده است:

۳-۱. مدیریت ادراک

اهل بیت *علیهم‌السلام* در سه سطح حاکمیت، نخبگان سیاسی و عوام، اقدام به مدیریت ادراک می‌کردند:

۳-۱-۱. حاکمیت و نخبگان سیاسی

معصومان *علیهم‌السلام* با تغییر در محاسبات حاکمان، در راهبردها و تصمیمات آنان ایجاد اختلال می‌کردند. نخبگان نیز غالباً هم در سطح حاکمیت نفوذ دارند و هم در سطح عوام؛ به همین جهت، مدیریت ادراک آنان مستلزم بهره‌جویی از دو سطح اختلال محاسبات و القای داده‌ها است. آنان از سویی با ارائه تحلیل به حکومت‌ها، محاسبات خود را اجرایی می‌کنند و از سوی دیگر، با برقراری نفوذ فکری خود در میان مردم، دیدگاه خود یا حاکمان را اعتبار می‌بخشند. از این رو مغلوب‌سازی نخبگان، پیچیده‌تر و دشوارتر از دو مورد پیشین است. به نظر می‌رسد در برخی موارد میان نخبگان سیاسی و حاکمان، عینیت مصداقی حاصل می‌شود که به همین جهت، اشاره به هر دو سطح در یک شماره مطرح می‌گردد.

۱. (مهدی پیشوایی، ۱۳۹۰: ۶۹۱)



۳-۱-۱-۱. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در صلح حدیبیه به گونه‌ای رفتار کرد که قریش را در مقابل عمل انجام شده قرار داد. مشرکان که با انجام این صلح گمان دستیابی به برتری خویش نسبت به مسلمانان را داشتند، با پذیرش معاهده با مخالف سیاسی خود - که پیش از آن به رسمیت شناخته نمی‌شد - باعث شدند تا اسلام به‌عنوان یک حکومت جدید امکان تبلیغ و گسترش داشته باشد. از سوی دیگر «مفهوم روشن معاهده حدیبیه آن بود که اگر هم پیمانان دو طرف با یکدیگر درگیر شدند، نباید قریش یا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به هم پیمان خود کمک برساند؛ زیرا مفهوم آن این است که خود آنان با یکدیگر سر جنگ دارند.»^۱ حمله به بنی خزاعه - هم پیمان بنی‌هاشم - نقض این صلح به شمار می‌رفت؛ زیرا اولاً آتش بس ده ساله میان مسلمانان و مشرکان برقرار شده بود و هرگونه تحرک نظامی نقض آن به شمار می‌رفت. ثانیاً هرگونه تحرک نظامی علیه هم پیمان مسلمانان، تحرک علیه آنان بود. پیامبر خدا با توجه به این نکته - به بهانه حمله به بنی خزاعه - اقدام به فتح مکه نمود.

۳-۱-۱-۲. امام مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام

هر چند معاویه در معاهده با امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام تمام مفاد این پیمان را زیرپا گذاشت و سعی می‌کرد با این کار برتری خود را به دست آورد، اما امام با مفادی که با وی امضا کرد، معاویه را در معرض افکار و اتهام مردم قرار داد. مردمی که تا پیش از این ندای صلح سر می‌دادند،^۲ پس از مشاهده عهدشکنی معاویه پشیمان شدند و آن را مایه ذلت دانستند. با توجه به همین معاهده بود که

۱. (رسول جعفریان، ۱۳۸۹: ۶۱۹)

۲. (ابن اثیر، ۱۳۸۵)



حکومت یزید نیز نامشروع به شمار می‌رفت؛ زیرا بر اساس آن، تعیین خلیفه پس از معاویه از طریق شورا صورت می‌پذیرفت^۱ و نه نصب ولی عهد از جانب او.
۳-۱-۱-۳. امام رضا علیه السلام

مأمون با طرح ولایتعهدی، قصد ترور شخصیتی امام رضا علیه السلام و محدودیت‌سازی برای ایشان و شیعیان را داشت.^۲ اما امام علیه السلام با شروطی که در پذیرش آن لحاظ نمود - مأمون گمان نمی‌کرد مانع از اهداف او شود - اجرای راهبردها و تصمیمات او را به اختلال کشاند. شروط امام علیه السلام، نداشتن حق عزل و نصب، و عدم دخالت در امور حکومتی بود.^۳ این شروط و سایر اقدامات امام علیه السلام در طول دو سال ولایتعهدی (۲۰۱-۲۰۳ ه.ق.) -مانند روشنگری‌ها پیرامون اجبار مأمون بر قبول ولایتعهدی^۴ و نماز عید فطر^۵- مانع از تحقق اهداف مأمون گردید.

۳-۱-۲. عوام

مدیریت ادراک عموم مردم از طریق القای داده‌ها در ذهنیت مخاطب صورت می‌گیرد. تحریک عواطف و جدال احسن، دو تاکتیک عمده در این سطح از مدیریت ادراک است که در مواقع گوناگون از ناحیه اهل بیت - به دلیل شدت خفقان سیاسی و نبود امکان تبلیغ آشکار امامت - مورد استفاده قرار می‌گرفت. گریه‌های شبانه روزی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، تأکید امامان بر عزاداری، زیارت و اشک بر سیدالشهدا علیه السلام به خاطر ظلم‌ستیزی^۷

۱. (ابن اعثم، ۱۴۱)

۲. (صدوق، ۱۳۸۰)

۳. (صدوق، ۱۳۷۸ و باقر شریف القرشی، ۱۳۸۰)

۴. (جعفر مرتضی عاملی، ۱۴۱۶)

۵. (باقر شریف القرشی، ۱۳۸۰)

۶. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹)

۷. (صدوق، ۱۳۷۸ و ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹)



بهره‌گیری امام زین‌العابدین علیه السلام از دعا، دستور امام رضا علیه السلام به اهل بیت علیهم السلام خود برای گریه بدرقه^۱ و مناظرات اعتقادی با مخالفان توسط خود یا اصحاب نمونه‌هایی از اقدامات اهل بیت علیهم السلام در این باره است.

۲-۳. تقیه

تاکتیک تقیه در موارد گوناگونی کاربرد داشته است. از جمله موارد اعمال تقیه از جانب اهل بیت علیهم السلام پیرامون سازمان وکالت است. ایشان غالباً از این موارد به‌عنوان ابزارهای استفاده از تقیه بهره می‌جستند:

«سوق‌دادن فعالیت سازمان به سمت متمرکز شدن در افرادی محدود همچون وکلای ارشد و یا باب‌ها، عدم تماس مستقیم رهبری با اعضای سازمان، استفاده از ابزار ارتباطی مطمئن همچون مراسم حج، منع موقت وکلاً از هرگونه فعالیت مرتبط با کار سازمان تا زمان رفع خطر، بهره‌گیری از افراد ناشناس و غیر مرتبط به سازمان برای ایجاد ارتباط با مرکز، در حالی که خود فرستاده و پیک نیز از ماهیت مأموریتش با اطلاع نبود.»^۲

امام صادق علیه السلام درباره اهمیت تقیه می‌فرمود:

«تقیه بخشی از دین خدا - در هر ملتی - در رفتار، گفتار و سکوت از حق برای حفظ جان، مال و ابقای دین است. اگر تقیه نباشد، دین خدا از میان می‌رود و اهل آن نابود می‌شود.»^۳

۴. نتیجه‌گیری

معصومان علیهم السلام با اتکا به راهبردها و تاکتیک‌هایی به تقابل نرم با دشمنان خود می‌پرداختند. این تقابل، به ایجاد تهدیدهایی برای موجودیت حاکمیت می‌انجامید که از سویی موجب تقویت شیعه و تثبیت آن به‌عنوان یک مکتب

۱. (باقر شریف القرشی، ۱۳۸۰)

۲. (محمد رضا جباری، ۱۳۸۲: ۱، ۲۲۹)

۳. (سید محسن امین عاملی، ۱۴۰۳: ۱۲، ۲۳۵)



فکری-سیاسی شد و از سوی دیگر، اسباب اصطکاک با حاکمان، محدودیت‌ها و شهادت ایشان را فراهم ساخت. راهبرد اصلی اهل بیت *علیهم‌السلام* در بیش از سه قرن ارتباط با مردم - از آغاز عصر رسالت تا پایان عصر غیبت صغری- تلاش برای حفظ اسلام و تشکیل حکومت اسلامی است که راهبردهایی میانی - تضعیف حداکثری دشمن، تدوین فرهنگ اسلامی، مبارزه منفی، نفوذ و غیبت - در ذیل آن تعریف می‌شود. اجرای این راهبردها نیازمند تاکتیک‌ها و ابزاری است که به طور کلی تقیه و مدیریت ادراک را در بر می‌گیرد.

فهرست منابع

- قرآن کریم
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، قم، ۱۴۰۴ه.ق.
 ۲. ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ه.ق.
 ۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل أبی طالب، علامه، قم، ۱۳۷۹ه.ق.
 ۴. ابن هشام الحمیری، عبدالملک، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی سقا، ابراهیم آبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
 ۵. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، تحقیق سید احمد صفر، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
 ۶. امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ه.ق.
 ۷. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، چاپ اول، تهران، ۱۴۱۶ه.ق.
 ۸. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبدالله محمود شحاته، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۳ه.ق.
 ۹. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة، تحقیق عبدالمعطی قلجی، دار الکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۵ه.ق.
 ۱۰. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ بیست و چهارم، قم، ۱۳۹۰ه.ش.
 ۱۱. جباری، محمد رضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمة علیهم السلام، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۲ش.
 ۱۲. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام (سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله)، دلیل ما، چاپ هشتم، قم، ۱۳۸۹ه.ش.
 ۱۳. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، علم، چاپ سوم، قم، ۱۳۹۳ه.ش.
 ۱۴. حسن ابراهیم حسن، تاریخ الإسلام، دارالجیل، بیروت و مکتبة النهضة المصریة، قاهره، چاپ چهاردهم، ۱۴۱۶ه.ق.
 ۱۵. حسین پور، سید علی و جباری، محمد رضا، تاریخ و ترتیب حوادث منتهی به شهادت حضرت زهرا (س)، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال دهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره ۳۵.
 ۱۶. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، دار الکتب، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۳ه.ق.
 ۱۷. رحمتی، رضا و شفیعی فر، محمد رضا، سیاست تعاملی ضد نظام سلطه، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۲۲.
 ۱۸. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تصحیح صبحی صالح، هجرت، چاپ اول، قم، ۱۴۱۴ه.ق.



۱۹. صدوق، عیون اخبار الرضا، جهان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸ ه.ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، آل البيت، چاپ اول، قم، ۱۴۱۷ ه.ق.
۲۱. العاملی، جعفر مرتضی، الحیة السیاسیة للإمام الرضا علیه السلام، جامعه مدرسین، چاپ سوم، قم، ۱۴۱۶ ه.ق.
۲۲. عاملی، شیخ حر، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، اعلمی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۵ ه.ق.
۲۳. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ اول، اصفهان، ۱۴۰۶ ه.ق.
۲۴. القرشی، باقر شریف، حیاة الإمام الرضا علیه السلام، سعید بن جبیر، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۰ ه.ش.
۲۵. کشی، محمد بن عمرو، اختیار معرفة الرجال، دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۴۸ ه.ش.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ ه.ق.
۲۷. کوفی، احمد ابن اعثم، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه.ق.
۲۸. گروه مطالعاتی امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهدیدات قدرت ملی، شاخص‌ها و ابعاد، ۱۳۸۷، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران
۲۹. مرادی، حجت الله و الیاسی، محمد حسین، مدیریت ادراک، ساقی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹ ه.ش.
۳۰. مغربی، ابن حیون نعمان بن محمد، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، تصحیح آصف فیضی، آل البيت، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۵ ه.ق.
۳۱. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، الهادی، چاپ اول، قم، ۱۴۰۵ ه.ق.